

برنامه درسی تربیت اخلاقی فضیلت‌گرایی اسلامی از منظر فارابی

✉ رسول توکلی / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

r.tavakoli63@gmail.com

mjzarean@gmail.com

alilatifi@rihu.ac.ir

 orcid.org/0000-0003-2967-8387

محمدجواد زارعان / دانشیار گروه علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمية

علی لطیفی / استادیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

چکیده

در دنیای امروز پرداختن به اخلاق و تربیت اخلاقی در قالب برنامه درسی مشخص ضروری است. این برنامه بر اساس نظرات اندیشمندان فضیلت‌گرایی مسلمان می‌تواند مسیر مشخصی را پیش روی نظام‌های آموزشی قرار دهد. فارابی تلاش دارد تا بر اساس «فضیلت»، نظام اخلاقی اسلامی را شکل دهد. این پژوهش با روش استنتاجی، برنامه درسی تربیت اخلاقی را از منظر ایشان بیان می‌کند. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که هدف غایی در نگاه فارابی سعادت است و کسب فضایل، به‌عنوان هدف میانی برای دستیابی به هدف غایی بیان شده است. در بخش محتوای برنامه درسی چنین به‌دست آمد که فارابی محتوا را فضایی می‌داند که در راستای سعادت باشند و گام‌هایی کاربردی برای شکل‌گیری فضایل بیان می‌کند. همچنین می‌توان روش‌های «فراهم کردن موقعیت‌های مشابه عمل»، «عمل وارونه»، «گفت‌وگوی برهانی، اقناعی و اکراهی»، «احتذاء» و «مقایسه لذت‌ها» را از آثار فارابی به‌دست آورد. در ارزیابی نیز فارابی محور اصلی را سنجش فضایل اخلاقی و ملکه شدن آنها می‌داند که این با سهولت در انجام عمل نیک و ترک عمل زشت، قابل ارزیابی است.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی تربیت اخلاقی، فارابی، فضیلت‌گرایی، اندیشمندان مسلمان.

انتقال فضایل و ارزش‌های اخلاقی همیشه دغدغه نظام‌های تربیتی بوده است؛ اما آنچه در این میان اهمیت بیشتری دارد، این است که چگونه می‌توان این فضایل را در وجود افراد درونی کرد. در این راستا، مسئولان و برنامه‌ریزان تربیت اخلاقی به دنبال راهکارهای عملی پیاده‌سازی تربیت اخلاقی به‌نحو کامل و صحیح هستند. «برنامه درسی» یکی از روش‌های تحقق تربیت اخلاقی است که می‌تواند نقش هماهنگ‌کننده برای عوامل دخیل در تربیت را ایفا نماید (کاظمی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۷۹).

برنامه درسی چهارچوبی برای تصمیم‌گیری فراهم می‌آورد که در قالب آن با بحث از اهداف، محتوا، روش‌های تدریس، ارزشیابی و نظایر آن، تلاش می‌شود تجربیات یادگیری و یاددهی سازمان‌دهی شود (خسروی و باقری، ۱۳۸۷، ص ۸۲). می‌توان گفت: به تعبیری ساده، برنامه درسی نقشه راه یادگیری است؛ یا برنامه درسی سازمان‌دهی کردن عناصر برنامه درسی در جهت تحقق اهداف مورد نظر آموزشی خواهد بود.

برای برنامه درسی، عناصری (اجزا / مؤلفه‌ها) بیان می‌شود؛ اما میان صاحب‌نظران درباره تعداد عناصر برنامه درسی اتفاق نظر وجود ندارد. دامنه این اختلاف‌ها، از یک جزء تا نه جزء را دربر می‌گیرد (مهرمحمدی، ۱۳۹۷، ص ۳۳۰). رایج‌ترین دیدگاه در این زمینه، معرفی چهار جزء است: هدف‌ها، محتوا، روش و ارزشیابی (گودلد، ۱۹۸۵م، ص ۱۱۴۲-۱۱۴۳، به نقل از: مهرمحمدی، ۱۳۹۷). در این پژوهش از همین الگوی چهارعنصری استفاده شده است.

برنامه درسی و عناصر آن را باید بتوان به خوبی در حیطه اخلاق، مفهوم‌شناسی و اجرا کرد تا به اهداف مهم تربیت اخلاقی دست یافت. به همین دلیل، در تعریف «برنامه درسی اخلاقی» باید به هر دو واژه «برنامه درسی» و «تربیت اخلاقی» توجه کرد. تربیت اخلاقی به شکل‌گیری صفات و رفتار پسندیده و دوری از صفات و رفتار ناپسند، و برنامه درسی به فراهم کردن فرصت‌ها و برنامه‌ریزی برای تعلیم و تربیت تمرکز می‌کند. بنابراین «برنامه درسی تربیت اخلاقی» عبارت است از: برنامه‌ریزی برای چگونگی به‌کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی - قابلیت‌های اخلاقی - و همچنین توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی به‌منظور نیل به فضایل عالی اخلاقی و دوری از ردیلت‌ها و از بین بردن آنها (کاظمی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۸۱).

اهمیت والایی که در اسلام برای اخلاق بیان شده، کافی بوده است تا اندیشمندان مسلمان نیز به مباحث اخلاقی بسیار توجه داشته باشند؛ از همین رو آثار اخلاقی بسیاری از دانشمندان مسلمان باقی مانده است. این اندیشمندان نیز با رویکرد و روش یکسانی به اخلاق نپرداخته‌اند؛ بلکه تنوع در رویکرد آنها قابل مشاهده است.

از نگاه حسنی، متفکران مسلمان دست‌کم چهار رویکرد در اخلاق داشته‌اند. این رویکردها عبارت‌اند از: اخلاق فلسفی، اخلاق عرفانی، اخلاق روایی یا نقلی، و اخلاق تلفیقی. در هریک از این رویکردها، آثار بارز و ماندگاری از متفکران بر جای مانده است. اگرچه این رویکردها خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم حاوی دستوراتی برای عمل اخلاقی و درنهایت تربیت اخلاقی است، اما در حوزه تربیت اخلاقی به‌صورت ویژه کمتر اثری دیده می‌شود (حسنی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۱).

در این میان، رویکرد فضیلت‌گرایی که زیرمجموعه‌ی رویکرد اخلاق فلسفی قلمداد می‌شود، از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین رویکردهای اخلاقی در جهان اسلام بوده و بیشتر مورد توجه فیلسوفان مسلمان قرار گرفته است. اندیشمندان مسلمان اخلاق را ملکه‌ای (حالت یا هیئتی نفسانی) می‌دانند که به‌واسطه‌ی آن، افعال ارادی متناسب با آن به‌راحتی و بدون نیاز به تروی و تصمیم‌گیری جدید، از انسان صادر می‌شوند؛ و در برابر، انجام افعال مخالف آن همراه با دشواری است و نیازمند تلاش فکری و صرف نیرو برای ایجاد تصمیم نسبت به آن است (ابن‌سینا، ۱۳۷۶، ص ۴۷۰؛ ۱۳۷۹، ص ۶۹۳؛ جرجانی، ۱۳۷۰، ص ۴۵؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۱۴). آنها «فضیلت» را خلق پسندیده می‌دانند؛ خلقی که انسان را در دستیابی به خیر و سعادت حقیقی یاری می‌رساند. از سوی دیگر، چنانچه خلق ناپسند باشد و انسان را به شقاوت نزدیک کند، «ذلیت» نامیده می‌شود. بنابراین فضیلت‌گراها در اندیشه‌ی اسلامی کسانی هستند که اولاً خلق را ملکه‌ی نفسانی می‌دانند و ثانیاً خلق پسندیده را عامل دستیابی انسان به سعادت معرفی می‌کنند.

فارابی نیز بر اساس فضیلت، نظام اخلاقی اسلامی را بیان می‌کند. وی سهم بسیار زیادی در تحول فلسفه‌ی اسلامی دارد. او علاوه بر فلسفه‌ی نظری، به فلسفه‌ی عملی و اخلاق نیز توجه کرده و آثار او نشانگر نگاه خاص ایشان به تربیت اخلاقی است. او با توجه به اینکه انسان شدن آدمی را در گرو رسیدن به سعادت، و سعادت را با اخلاق و بازشناسی نیک از بد میسر می‌داند، به‌صورت ژرف به اخلاق پرداخته است.

بنابراین این پژوهش این پرسش را دنبال می‌کند که برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی فضیلت‌گرای اسلامی از منظر فارابی چیست؛ اهداف، محتوای روش‌های یادگیری - یاددهی و ارزشیابی تربیت اخلاقی از دید فضیلت‌گرای فارابی چگونه توضیح داده می‌شود. با این پژوهش، اخلاقی شدن در فضای آموزش و پرورش جدید و چگونگی برنامه‌ریزی برای تحقق آن از منظر فضیلت‌گرای فارابی مشخص می‌شود و برای نظام عمومی تعلیم و تربیت راهگشا خواهد بود.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون موضوع این پژوهش را می‌توان از جهات مختلف تقسیم کرد. محقق در این تحقیق پژوهش‌های قبلی را از جهت نزدیک بودن به موضوع پژوهش در چند بخش بیان می‌کند:

۱-۱. دیدگاه‌های فارابی و دلالت‌های آن در تربیت و تربیت اخلاقی

این دسته از پژوهش‌ها به برنامه‌ی درسی توجه نداشته‌اند؛ ولی به مفاهیمی همچون سعادت (دهقانی فیروزآبادی و بنیانی، ۱۳۹۳)، فضیلت (بهارنژاد، ۱۳۹۲)، ویژگی‌های معلم (ریاضی و دیگران، ۱۴۰۰)، تربیت اخلاقی و مؤلفه‌های آن (هاشمی و نوروزی، ۱۳۸۹؛ کیان و نظام‌الاسلامی، ۱۳۹۳) از منظر فارابی پرداخته‌اند.

۱-۲. برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی مبتنی بر اسلام

پژوهش‌هایی که سعی کرده‌اند از گزاره‌های دینی یا نظرات اندیشمندان مسلمان برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی (چه فضیلت‌گرا، چه غیر آن) را استخراج و بیان کنند، دسته‌ی دوم این پژوهش‌ها هستند. اندیشمندان بزرگ اسلام در دوره‌ی معاصر، مانند علامه طباطبائی، علامه مصباح یزدی و علمای متأخر، مانند ملاحمد نراقی، از جمله‌ی این اندیشمندان هستند.

کازمی و همکاران ایشان (۱۳۹۰، ص ۹۶) در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ی درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی»، تحقیق خود را بر اساس نظرات علامه مصباح یزدی انجام داده‌اند. ایشان به دنبال بیان الگویی مناسب در طراحی برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی هستند که با نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی سازگار باشد و رویکرد تلفیقی فطرت‌گرا را ارائه می‌دهد. در این دیدگاه، «فطرت» نقش محوری دارد.

عقیلی و همکاران ایشان (۱۳۹۷، ص ۳) نیز به دنبال «طراحی الگوی برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی در دوره‌ی ابتدایی نظام آموزشی ایران» بوده‌اند. الگوی مفهومی برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی را در دو بعد چرایی و ضرورت تربیت اخلاقی و چگونگی برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی و مشتمل بر مقولاتی مانند ضرورت و نیاز، رویکرد، اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری، نقش نیروی انسانی، ارزشیابی، مواد و منابع، مکان و زمان بیان می‌کنند. مرکز ثقل یا مقوله‌ی محوری این الگو، رویکرد شایستگی‌محوری و فراگیر بودن آن است که بر اساس دو ویژگی اصلی آن، یعنی «توجه سازگار به ابعاد دانشی، بینشی و مهارتی» و «شمولیت قلمرو آن به تمام زیست مدرسه‌ای»، سایر عناصر برنامه‌ی درسی را تحت تأثیر قرار داده است.

دو پژوهش (خلیل‌خانی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۲۳؛ عباسی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۳) نیز بر اساس تفسیر/المیزان برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی را بیان کرده‌اند. در این دو تحقیق، عناصر برنامه‌ی درسی مورد توجه بوده؛ ولی آرای عالمان اخلاق مبنای تحقیق ایشان قرار نگرفته است.

۱-۳. برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی فضیلت‌گرا

دسته‌ی سوم پژوهش‌ها در حیطه‌ی موضوع این تحقیق، مواردی است که به برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی فضیلت‌گرا پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها دیدگاه اسلام را محور تحقیق خود قرار ندادند و غالباً با محوریت فلسفه‌ی ارسطویی به نتایج دست یافته‌اند. پروژه‌ی فضیلت‌های نارنیایی در دانشگاه لیدز، از جمله برنامه‌های درسی تربیت اخلاقی است. این پژوهش بیان می‌کند که چگونه والدین، معلمان و کودکان ده تا چهارده ساله یاد می‌گیرند که با خواندن و پاسخ به سه رمان نارنیا توسط سی اس لوئیس، فضایل خرد، عشق، عدالت، صداقت، خویشتن‌داری (خودکنترلی) و شکیبایی (فضیلت‌های شخصیت خوب) را رشد دهند. پروژه‌ی نارنیا بر اساس رویکرد تربیت‌منش طراحی شده و توماس لیکونا یکی از همکاران اصلی این پروژه است (Lickona, 2006, p60).

هاشم‌زاده (۱۳۹۸، ص ۷۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی کاربست اخلاق فضیلت در تربیت اخلاقی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، به اخلاق فضیلت‌محور و کاربست عملی رویکردهای فضیلت‌محور در تربیت اخلاقی پرداخته است. وی بیان می‌کند که تمرکز تربیت اخلاقی نخست باید بر ساختن یک شخصیت «تربیت‌پذیر» باشد و به ساخت شخصیتی با تمامی فضایل بسنده نکند.

تحقیق آرمند و مهرمحمدی (۱۳۸۸، ص ۲۵) که در آن به «نقد و بررسی الگوی تربیت منش لیکونا بر اساس آرای علامه طباطبائی» پرداخته، از جمله تحقیق‌های نزدیک به موضوع این پژوهش است. یکی از رویکردهای مهم تربیت

اخلاقی، تربیت منش است که در آن بر ایجاد و پرورش چند ارزش اساسی تأکید می‌شود. هدف این پژوهش، معرفی و نقد الگوی منش لیکونا بوده است و به دنبال بازسازی الگو و ارائه یک برنامه بر اساس نظرات علامه طباطبائی بوده است. بر اساس پیشینه این پژوهش، به برنامه درسی تربیت اخلاقی که بر اساس نظرات فضیلت‌گرایان اسلامی باشد، کمتر توجه شده است. با توجه به نظرات اندیشمندان مسلمان، می‌توان تربیت اخلاقی در برنامه درسی را نتیجه گرفت. فارابی دانشمندی است که گرچه مورد توجه پژوهشگران بوده است، اما گسترش نظرات تربیت اخلاقی او در برنامه درسی با پژوهش‌های بیشتر قابل دستیابی خواهد بود.

۲. روش تحقیق

این پژوهش با روش استنتاجی انجام شده است. مراحل اجرای تحقیق به این صورت است: الف) مطالعه متن و ارائه یک تعبیر و تفسیر کلی از آن؛ ب) تحلیل دقیق‌تری از متن صورت می‌گیرد و واژه‌ها و عبارات مهم متن شناسایی می‌شوند تا معانی غالب بر متن شناسایی شود. درواقع، تحلیل دقیق متون به پژوهشگر کمک می‌کند تا معانی و مفاهیم مورد نظر متن را دریابد؛ ج) با تعیین مقوله‌های مورد نظر که با توجه به مبانی نظری و مسئله تحقیق تعیین شده‌اند، به استنتاج نهایی پرداخته شد.

فارابی در کتاب‌های مختلف به مباحث اخلاقی توجه داشته است. هرچند تسلط بر تمام نظرات یک اندیشمند ما را به استخراج نظر او در موضوعی می‌رساند، اما دیدگاه او پیرامون اخلاق، به صورت مشخص در سه کتاب *فصول منترعه*، *تحصیل السعاده* و *التبیه علی سبیل السعاده* بیان شده است. البته در بقیه آثار این اندیشمند نیز هر جا درباره انسان یا اخلاق در جامعه گفت‌وگو کرده و حتی در لابه‌لای گفتارهای فلسفی ایشان، برای این پژوهش بهره‌برداری شده است.

با مطالعه آثار فارابی، به جمع‌آوری یافته‌ها در زمینه تربیت اخلاقی از نظر ایشان پرداخته شد. جمع‌آوری داده‌ها از کتاب‌های فارابی، با محوریت نکاتی که دیدگاه ایشان در تربیت اخلاقی را نشان می‌داد، گام مهم در مراحل پژوهش بود. این گام با محوریت مؤلفه‌های تعلیم و تربیت، یعنی مفاهیم، مبانی، اهداف، مراحل، روش‌ها، موانع و عوامل در ساحت تربیت اخلاقی، صورت گرفت.

پس از آن با محوریت عناصر برنامه درسی، یافته‌ها از کلام این اندیشمند مسلمان استخراج شد. تجزیه و تحلیل یافته‌های تربیت اخلاقی از منظر فارابی و استخراج اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی برنامه درسی تربیت اخلاقی از دیدگاه ایشان، گام مهم بعدی بود که در پژوهش دنبال شد. این گام با پردازش دقیق و درآمیخته شدن یافته‌ها با ادبیات برنامه درسی محقق گردید.

۳. تحلیلی بر عناصر چهارگانه برنامه درسی از منظر فارابی

با وجود اختلاف نظر در عناصر برنامه درسی، رایج‌ترین دیدگاه در این زمینه، معرفی چهار جزء هدف، محتوا، روش و ارزشیابی است (مهرمحمدی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۰). در این پژوهش نیز با محور قرار دادن تقسیم‌بندی چهارگانه، نظرات فارابی بیان

می‌شود. هدف، اولین عنصر در برنامه‌داری و عنصر اصلی برنامه‌ریزی درسی است و برنامه‌ها برای دستیابی به آن طراحی و سپس اجرا می‌شوند. هدف‌ها، در واقع قصد نهایی تعلیم و تربیت یا نتایجی را مشخص می‌سازند که انتظار می‌رود پس از اجرای یک برنامه‌داری، بتوان در رفتار یادگیرندگان مشاهده نمود (پارمحمدیان، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸).

پس از انتخاب هدف، محتوای برنامه‌داری انتخاب و سازمان‌دهی می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۷۰، ص ۲۰۷). محتوا عبارت است از مجموعه حقایق، مفاهیم، تعمیم‌ها، فعالیت‌ها، فرایندها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، که در ارتباط با یکدیگر و در جهت هدف‌های یادگیری برای یادگیرنده پیش‌بینی می‌شود (ملکی، ۱۳۹۴، ص ۷۰).

موفقیت برنامه‌داری و تحقق هدف‌های آن، در گرو اجرای بهتر برنامه‌داری است. ممکن است برنامه‌داری از ویژگی‌های بسیار مثبت برخوردار باشد، اما به علت فقدان روش‌های یاددهی - یادگیری مناسب، ناکام بماند (ملکی، ۱۳۹۴، ص ۷۷). روش یاددهی - یادگیری، مجموعه فعالیت‌ها و مراحل است که برای نیل به هدفی معین انجام می‌شود و بهترین روش، روشی است که با صرف کمترین مدت و با توجه به امکانات موجود، بیشترین بهره و نتیجه را فراهم آورد.

عنصر پایانی و تکمیل‌کننده بقیه اجزای برنامه‌داری، ارزشیابی است. ارزشیابی ناظر به اهداف و متناسب با شرایط یادگیرندگان طراحی می‌شود. انواع سنجش‌ها را باید تدارک دید تا بتواند شواهد مورد نیاز برای قضاوت در خصوص سطح درک و هدف‌های کسب‌شده را فراهم نماید.

۱-۳. اهداف برنامه‌داری تربیت اخلاقی فارابی

اهداف برنامه‌داری تربیت اخلاقی از نظر فارابی، با بیان نظام اهداف در نظر ایشان مشخص می‌شود. ایشان برای انسان و تربیت اخلاقی او هدف غایی و اهداف واسطی و میانی در نظر می‌گیرد. این نظام اهداف با کنار هم قرار دادن کلام‌های مختلف ایشان در بحث گوناگون استخراج می‌شود.

۱-۱-۳. هدف غایی و اهداف واسطی

سعادت غایتی است که انسان برای آن خلق شده (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۶۲) و هر انسانی به آن مشتاق است. همچنین سعادت، مطلوب‌ترین خیرها و بزرگ‌ترین و کامل‌ترین آنهاست (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۲۹). اینکه هر فردی از هر راهی با تلاش خویش به سوی سعادت گام برمی‌دارد، به این دلیل است که سعادت نوعی از کمال است. علت اشتیاق انسان به هر کمال و غایتی، «خیر» بودن آن کمال است؛ و خیر در هر صورت، مقصود انسان است (فارابی، ۱۳۸۴، ص ۸۳).

فارابی رابطه بدن، نفس و کمال نهایی انسان را به زیبایی توضیح می‌دهد. او می‌گوید: بدن به خاطر نفس و نفس برای رسیدن به کمال نهایی (که همان سعادت و فضیلت است)، آفریده شده‌اند؛ بنابراین فلسفه وجودی نفس، رسیدن به حکمت و فضیلت است (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۰). بدن و نفس جنبه مقدماتی برای رسیدن انسان به کمال و سعادت نهایی دارند.

فارابی غیر از سعادت فردی انسان، به زندگی اجتماعی او نیز توجه دارد. وی قائل است که انسان در ذات خود موجودی ناقص است و بدون مشارکت دیگر هم‌نوعان خود نمی‌تواند به غایت حقیقی و نهایت کمالی که برای وی متصور است، دست یابد؛ چراکه هر فردی نمی‌تواند به تنهایی نسبت به تأمین تمام نیازمندی‌های جسمی و روحی خود به نحو احسن اقدام نماید. به همین خاطر است که افراد در استعدادها و توانایی‌ها و همچنین انگیزه‌های شخصی برای انجام صناعات و فعالیت‌های مختلف، متفاوت و متنوع‌اند (فارابی، ۱۹۹۵م، ص ۱۱۲).

همچنین از سوی دیگر، وضع زندگی اجتماعی، روابط بین‌فردی و حتی نوع مسکن و چگونگی ساخت آن، در پدید آمدن اوصاف و ملکات نفسانی فضیلتی و رذیلتی در انسان‌ها تأثیرگذارند (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۴۰، ۴۵-۴۷، ۷۰-۷۳، ۹۲ و ۱۰۱) و نمی‌توان بدون توجه به این اقتضائات اجتماعی، بشر را به سوی وضعیت حداکثری سعادت هدایت نمود. فارابی، به‌عنوان یکی از فیلسوفانی که به‌تفصیل به علم مدنی و سعادت اجتماعی پرداخته است، حصول سعادت در یک جامعه را متوقف بر تحصیل چهار دسته از کمالات و فضایل می‌داند: ۱. فضایل نظری؛ ۲. فضایل فکری؛ ۳. فضایل خلقی؛ ۴. صناعات عملی (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۹). با توجه به این توضیحات، آشکار می‌گردد که سعادت اجتماعی بشر، کمالی واسطی برای دستیابی به سعادت حقیقی و اخروی انسان است و بدون تأمین آن نمی‌توان از زمینه‌سازی حداکثری برای استکمال سخن گفت.

از سوی دیگر، فارابی سعادت را خیر مطلق می‌داند و هر آنچه انسان به‌وسیله آن به سعادت نائل شود، خیر است؛ اما نه خیر ذاتی؛ بلکه خیری که به‌دلیل نفعش در سعادت، خیر قلمداد می‌شود (فارابی، ۱۹۹۶م، ص ۷۹)؛ به‌عبارت‌دیگر، سعادت همان خیری است که مطلوب بودن آن به‌خاطر ذات اوست و چیز دیگری ورای آن و بزرگ‌تر از آن برای انسان وجود ندارد که به آن دست یابد.

به افعال ارادی‌ای که در رسیدن به سعادت مفیدند، افعال پسندیده و نیکو (جمیله) گفته می‌شود و هیئت‌ها و ملکاتی که این افعال از آنها صادر می‌شوند، فضایل هستند (فارابی، ۱۹۹۵م، ص ۱۰۱). فضایل، درحقیقت همان امور خیر هستند؛ اما نه خیر بالذات؛ بلکه از آن جهت خیرند که انسان را به سعادت نائل می‌سازند و سعادت، خیر مطلوب بالذات، و فضیلت، خیر بالعرض است (فارابی، ۱۹۹۵م، ص ۱۰۱).

بنابراین دستیابی به فضایل اخلاقی - چه از جنبه‌ی یکی از فضایل چهارگانه در رسیدن به سعادت اجتماعی (که در قسمت قبلی بیان شد) و چه با مقایسه‌ی خیر بالذات - یک جنبه‌ی واسطی و میانی برای رسیدن به سعادت را در خود جای داده است.

۲-۱-۳. تقدم فضایل نظری بر عملی و هدف میانی بودن فضایل نظری برای سعادت

این اندیشمند اسلامی فضایل نظری و فکری را سبب و مبدأ برای فضایل عملی می‌داند (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۹۶). وی قائل است که فضایل خلقی و رفتار شخص به‌مقدار نیرومندی فکر و فضایل فکری اوست. هر اندازه فرد بتواند امر نافع‌تر و زیباتر را استنباط کند، فضایل خلقی او نیز متناسب با آن شدیدتر و قوت بیشتری خواهد داشت (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۴-۱۵۵). سبب بودن فضایل نظری بر عملی و شرط لازم بودن فلسفه‌ی نظری، دیدگاهی است که تقدم مباحث نظری را مشخص می‌کند.

فارابی در قلمرو شناخت خوبی‌ها و فلسفه‌ی نظری، علم جداگانه‌ای نیز در نظر می‌گیرد و به تعریف آن می‌پردازد. ایشان قائل است که انسان باید هم خوبی‌ها را بشناسد و هم نقص‌ها و بدی‌ها را که مانع رسیدن انسان به کمال هستند. این همان علمی است که فارابی آن را «علم مدنی» می‌نامد (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۱-۱۴۲).

پس از فضایل نظری، فضایل فکری و خلقی را چنین می‌توان بیان کرد. بر اساس نظر فارابی، عقل عملی دو جهت تشخیصی و ملکاتی دارد: جنبه‌ی اول با عنوان «تروی» مطرح می‌شود. ایشان - علاوه بر واژه‌ی تروی - از اصطلاح «تعقل»

نیز استفاده می‌کند و فضیلتِ ناظر به آن را «فضیلتِ فکری» می‌نامد (آشکار است که فضیلت در اینجا به‌معنای مطلق کمال است، نه یکی از اقسام «خُلُق» به‌معنای خاص آن). بر اساس این ادبیات، قوهٔ عامله - حداقل - دو دسته فضیلت خواهد داشت: فضیلتِ فکری و فضیلتِ خلقی (فارابی، ۱۳۶۴، ۵۶-۵۵؛ ۴۱۳ق، ۱۱۹ و ۱۶۵-۱۶۵).

کمال این قوه در این است که بتواند در موقعیت‌های عمل، به‌دقت و سهولت و سرعت (به‌نحو یقینی یا حداقل ظنی) تشخیص دهد که کدام عمل پسندیده یا ناپسند است و کدام‌یک انسان را به سعادت می‌رساند یا از آن بازمی‌دارد (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۵۸-۵۴؛ ۴۱۳ق، ص ۱۴۵-۱۵۶).

البته در مواردی ممکن است که انسان خود توان چنین تشخیصی را نداشته باشد و از مشاورهٔ دیگران استفاده نماید (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۵۸-۵۷)؛ چراکه آنچه در واقع مهم است، شناخت فعل مناسب (یا نامناسب) و انجام (یا ترک) آن است. تقویت این قوهٔ تشخیصی، وابسته به حصول عادات و ملکات اخلاقی پسندیدهٔ متناسب با اعمالِ مورد مواجهه و همچنین افزایش تجربهٔ انسان در موقعیت‌های مختلف است (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۵۵ و ۵۹-۶۰؛ ۴۱۳ق، ص ۱۶۱-۱۶۲)؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت: با قوت یافتن ملکات اخلاقی، عقل عملی بی‌درنگ و بدون نیاز به تأمل و بررسی، فعل فضیلت‌مند را تشخیص می‌دهد و آن را اراده می‌نماید. به همین دلیل، اهمیت این جهتِ تشخیصی در طول اهمیت جهتِ ملکاتی است؛ بدین معنا که کمالِ تروی و تفکر عملی جزئی، ابزار و واسطه‌ای برای نیل به کمال ملکاتی قوهٔ عامله است؛ تا آنجا که شاید بتوان گفت کمال واقعی و اصلی قوهٔ عامله، همان کمال ملکاتی آن (حصول هیئت انقبادی در قوای بدنی نسبت به نفس انسانی) است.

قوهٔ عامله از جهت ملکاتی نیز با برقرار کردن حالت اعتدال و توسط در هریک از قوای بدنی، به مطلوب خواهد رسید. این اعتدال همان چیزی است که در اخلاق، «عدالت» گفته می‌شود. با حصول ملکهٔ عدالت، از یک‌سو بقای بدن (که مورد حاجت نفس است) تأمین می‌شود و از سوی دیگر، قوای بدنی حداقل منع ممکن را در مسیر استکمال نفس ناطقه ایجاد خواهند نمود. بنابراین عدالت (به‌معنای جامع آن، که در بردارندهٔ تمامی فضایل اخلاقی است)، از آن‌رو کمال و خیر است که زمینه را برای کمال حقیقی انسان - یعنی رها شدن از تعلقات مادی و اتصال و اتحاد با حقایق فرازین هستی - مهیا می‌کند. به‌عبارت دیگر، عدالت - و به‌تبع آن، تمامی فضایل اخلاقی دیگر - کمال واسطی و ابزاری‌اند و مقدمهٔ ضروری دستیابی به کمال حقیقی هستند (فارابی، ۱۹۹۵م، ص ۱۰۱).

نمودار ۱. واسطی بودن فضائل اخلاقی برای کمال انسان



۳-۲. محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی فارابی

منظور از محتوای اخلاقی، مضامین اخلاقی و ارزش‌های اساسی اخلاقی است که در قالب برنامه درسی تربیت اخلاقی طراحی می‌شود. فضایل، محتوای اساسی برای انتقال به مخاطب در دیدگاه فضیلت‌گرایی فارابی است. به همین منظور، قبل از برشمردن و توضیح محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی، باید معنا و ویژگی‌های فضایل را از دیدگاه فارابی بیان کرد.

۳-۲-۱. فضیلت در نگاه فارابی

چهار ویژگی هیئت نفسانی بودن (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۲۴؛ ابن سینا، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵-۱۵۶)، طبیعت اولیه نبودن (اکتسابی بودن) (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۳۰-۳۱)، اعتدال (حد وسط نسبی بودن) (فارابی، ص ۳۶؛ ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۰) و بدون سختی و با لذت همراه بودن (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۳۴)، دیدگاه فارابی را درباره فضیلت بیان می‌کنند. این ویژگی‌ها باید در همه فضایل وجود داشته باشند تا بتوان آنها را فضیلت اخلاقی برشمرد. آنها به ترتیب، سیر شکل‌گیری و نهادینه شدن فضیلت را نیز مشخص می‌کنند. در گام اول باید حتماً تلاش برای عمل فضیلت‌مندانه در نفس را آغاز کرد؛ در مرحله بعدی باید آن عمل را به حد وسط و اعتدال رسانید و در گام پایانی باید تا جایی پیش رفت که دیگر هیچ سختی در انجام فضایل وجود نداشته باشد و حتی انجام آن با لذت برای فرد همراه باشد.

۳-۲-۲. گام‌های عملیاتی شکل‌گیری خلق

پس از توضیح فضایل، دیدگاه فارابی در محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی با مشخص شدن گام‌های علمیماتی شکل‌گیری خلق و برشمردن فضایل تکمیل می‌گردد. محتوا با طراحی مراحل یا گام‌ها سیر کارآمدی را در تربیت اخلاقی رقم خواهد زد. فارابی نیز قائل است که برای به دست آوردن اخلاق نیکو باید گام‌ها و مراحل ذیل را دنبال کرد:

۱. شناسایی خلق‌ها: ابتدا باید به تک‌تک خلق‌ها شناخت حاصل گردد؛
۲. شناسایی افعال تک‌تک خلق‌ها: از هر خلقی افعالی پدید می‌آید که فرد باید به همه آنها نیز آگاهی داشته باشد؛
۳. تأمل در خلق‌های درونی خود: پس از شناخت، افراد باید به کنکاش در درون خود بپردازند و خلق‌های خود را شناسایی کنند؛
۴. سنجش زیبا یا زشت بودن خلق درونی: پس از شناخت خلق‌های خود باید نسبت به زیبا یا زشت بودن آنها آگاهی کسب شود. برای تشخیص زشت و زیبایی خلق‌ها باید تأمل کرد که از انجام کدام فعل برای فرد لذت ایجاد می‌شود یا اگر آن فعل انجام شود، شخص از آن اذیت نمی‌شود. زمانی که این فعل تشخیص داده شد، باید در خلق آن دقت شود که آیا آن فعلی است که از خلقی خوب صادر می‌شود یا از خلقی زشت پدید می‌آید. پس اگر فعل از خلق نیکویی نشئت گرفته بود، شخص دارای خلقی نیکوست و اگر از خلق زشتی نشئت گرفته بود، دارای خلقی زشت است؛
۵. برطرف کردن خلق زشت با روش عمل وارونه (به ضد): پس از شناسایی خلق زشت، آن خلق یکی از دو طرف حالت اعتدال است که باید به حالت اعتدال برگردانده شود. اگر خلق بیش از حد اعتدال بود، باید نفس را به افعالی که

در جهت ضد آن هستند، عادت داد؛ و اگر خلق کمتر از حد اعتدال بود (در جهت نقصان بود)، باید نفس را به افعالی که در جهت ضد آن هستند، عادت داد (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۲-۲۴۵). البته در کنار روش عمل به ضد، که اینجا بیان شده است، از بقیه روش‌های تربیت اخلاقی نیز - که در ادامه بیان می‌شود - می‌توان بهره برد.

۳-۲-۳. اصل اساسی در تعیین محتوا: فضایل در راستای سعادت

فارابی با بیان این نکته که فضایل، مطلوب یا خیر بالعرض هستند (فارابی، ۱۹۹۵م، ص ۱۰۱)، بر این نکته مهم تأکید می‌کند که برای تعیین محتوا باید فضایل حتماً در راستای سعادت انسان تعیین گردند. اگر فضیلتی از این قاعده خارج باشد، نمی‌توان به‌عنوان اخلاق به‌دنبال آن رفت؛ چون گام برداشتن در مسیری غیر از سعادت خواهد بود.

۳-۲-۴. فضایل نطقیه و خلقیه

با توجه به آنچه گفته شد، باید محتوای برنامه درسی را با برشمردن فضایل مشخص کرد. فارابی با توجه به قوای نفس، فضایل را برمی‌شمارد. او از پنج قوه اصلی برای نفس نام می‌برد: غاذیه، حاسه، متخیله، نزوعیه و ناطقه (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۲۷). در اینجا به دو قوه نزوعیه و ناطقه، که در بحث مورد نیاز است، پرداخته می‌شود. قوه نزوعیه قوه‌ای است که به‌وسیله آن، حیوانات به چیزی کشش و گرایش پیدا می‌کنند (شهویه) یا از آن گریزان می‌شوند (غضبیه). قوه ناطقه نیز قوه‌ای است که به‌وسیله آن انسان می‌اندیشد و بین زیبا و زشت تمایز قائل می‌شود. این قوه به عملی و نظری تقسیم می‌شود (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۲۹).

متناسب با این قوا، فضایل به دو دسته خلقیه و نطقیه تقسیم می‌شوند. فضایل نطقیه فضایل قوه ناطقه انسان هستند؛ مانند حکمت، عقل، ذکاوت (تیزفهمی) و خوش‌فهمی. فضایل خلقیه نیز فضایل قوه نزوعیه انسان هستند؛ مانند عفت، شجاعت، سخاوت و عدالت. ردایل نیز همانند تقسیم‌بندی بالا به نطقیه و خلقیه تقسیم می‌شوند (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۳۰). فارابی در تقسیم‌بندی دیگری فراتر می‌رود و فضایل را بر اساس دستیابی به سعادت، به چهار دسته تقسیم می‌کند. وی سعادت دنیا و آخرت را در گرو دستیابی به چهار فضیلت می‌داند: ۱. فضیلت نظری؛ ۲. فضیلت فکری؛ ۳. فضیلت اخلاقی؛ ۴. فضیلت صناعی (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۹).

بنابراین بر اساس تقسیم‌بندی اول، دو دسته فضایل خلقیه و نطقیه، و بر اساس تقسیم‌بندی دوم، سه دسته فضایل نظری، فکری و اخلاقی، محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی فارابی قرار می‌گیرند. این دو تقسیم‌بندی، درحقیقت یک محتوا را بیان می‌کنند؛ زیرا قوه نطقیه از دو قوه نظری و عملی تشکیل شده است که بیان‌کننده همان فضایل نظری و فکری هستند. برنامه‌ریزان باید هم به فضایی مانند حکمت، تیزفهمی و ذکاوت و هم به فضایی مانند شجاعت، عفت و عدالت توجه داشته باشند. نباید محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی به فضایل اخلاقی محدود شود؛ چراکه فضایل نظری و فکری سبب و زمینه‌ساز فضایل اخلاقی هستند (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۹۶). با این توضیح مشخص می‌شود فضائل اخلاقی در نظر این اندیشمند به معنای عام آن در نظر گرفته شده است که معادل کمال یا سعادت است و همه آنها برای تعالی انسان لازم هستند.

۳-۳. روش‌های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تربیت اخلاقی فارابی

برای اجرای مطلوب، برنامه لازم است. در فرایند برنامه درسی، باید روش‌های یاددهی - یادگیری مناسب و هماهنگ با هدف‌ها و محتوای برنامه درسی ارائه شود (یارمحمدیان، ۱۳۸۸، ص ۲۰۴). از آثار فارابی روش‌های برنامه درسی تربیت اخلاقی نیز به‌دست می‌آید. این روش‌ها، با در کلام فارابی به‌صورت مستقیم بیان شده‌اند یا از کلام ایشان به‌دست آمده‌اند.

۳-۳-۱. فراهم آوردن موقعیت‌های مشابه عمل

در شکل‌گیری همه فضایل و رذایل، تکرار افعال آن خلق خاص در زمان‌های مختلف و شکل‌گیری عادت، رکن اصلی است. به همین دلیل در تعریف فضایل و رذایل و به‌وجود آمدن آنها در نفس، تکرار وجود دارد (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۳۰). فارابی به‌روشنی بیان می‌کند که به استعداد طبیعی، فضیلت یا رذیلت گفته نمی‌شود؛ بلکه آنها با تکرار افعال شکل خواهند گرفت (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۳۱). او روش تغییر خلق را چنین بیان می‌کند: «آنچه انسان به‌وسیله آن خلقی را کسب می‌کند یا نفس خود را از خلقی که در درونش در حال شکل‌گیری است، به خلق دیگری منتقل می‌کند، عادت است» (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۵).

این روش شکل‌گیری اخلاق را با تشبیه کردن به مهارت‌ها می‌توان بیان کرد. برای نمونه، نویسندگی مهارتی است که با تکرار و تمرین ایجاد می‌شود و اگر این تکرار در زمینه نگارش محتوای نیک و شایسته باشد، مهارت نویسندگی متعالی حاصل می‌شود و اگر در زمینه نگارش مطالب ناشایست باشد، مهارت نویسندگی در آنها ایجاد می‌شود (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۲۷؛ ۱۳۶۴، ص ۳۰). فارابی قائل است به اینکه در اخلاق و صناعات، تکرار و تمرین موجب فعلیت بخشیدن به آنها می‌شود و درنهایت به شکل‌گیری هیئت‌های نفسانی و صدور افعال متناسب با آنها می‌انجامد.

۳-۳-۲. عمل وارونه

تمامی خلق‌ها، چه زیبا و چه زشت، اکتسابی‌اند و انسان می‌تواند تا زمانی که برایش خلق حاصل نشده باشد، برای خود خلقی ایجاد کند و هرگاه نفسش در موردی به خلقی نزدیک شد، خوب یا بد، بازهم برای انسان ممکن است که با اراده خویش به ضد آن خلق منتقل شود (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۵).

اساس این روش، بر تقابل با نفس استوار است و با از بین بردن خوی و عادت ناپسند، تلاش می‌شود به خوی و عادت مطلوب روی آورده شود. با این روش، اندک‌اندک عادت جدید جایگزین عادت موجود می‌شود. این جایگزینی با بردباری و تسلط بر نفس و تکرار بسیار، به نتیجه خواهد رسید (فارابی، ۱۹۹۶م، ص ۶۵).

۳-۳-۳. روش گفت‌وگوی برهانی، اقتناعی (خطابه و جدل) و اکراهی

فارابی دو روش کلی گفت‌وگوی برهانی و اقتناعی را برای تعلیم و تربیت بیان می‌کند. در معلومات انسان، گاهی خود معلوم (آنچه به آن علم حاصل شده)، همان‌گونه که در حقیقت موجود است، نقش می‌بندد و مستقیم شناخته می‌شود و گاهی مشابه آن یا امری که از حقیقت آن حکایت می‌کند، نقش می‌بندد؛ مانند اینکه گاهی خود یک شیء دیده می‌شود و گاه در آب (یا آینه) یا عکس آن در آب دیده می‌شود. راه دستیابی به علم اول (علم معقول)، «برهان» و راه دستیابی به علم مثالی یا خیالی، «خطابه و جدل» است (فارابی، ۱۹۹۶م، ص ۹۶).

در جای دیگری نیز فارابی بیان می‌کند که فضایل عملی با عادت دادن افراد به انجام فضایل ایجاد می‌شود که این تکرار و عادت، با دو روش امکان‌پذیر است: ۱. با گفت‌وگو و کلامی که اقناع را به‌دنبال داشته باشد یا گفته‌های دیگری که این افعال و ملکات را در نفس ایجاد کند؛ به‌گونه‌ای که اراده فرد به‌راحتی برای انجام فعل پیش رود؛ ۲. با اجبار و اکراه برای افرادی که جزء متمردين و خلافکاران جامعه‌اند و با گفت‌وگو به‌سمت فضایل گام برنمی‌دارند (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶۸). داودی و همکارانشان نیز در توضیح نظرات فارابی، روش برهانی را در کنار روش اقناعی بیان می‌کنند و هر دو را زیرمجموعه روش گفت‌وگو (مخاطبه) می‌دانند (داودی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶).

بنابراین می‌توان در یک بیان کلی قائل شد به اینکه فارابی بر اساس روش گفت‌وگو و شناخت دادن و با توجه به اختلاف مخاطبین، به سه روش تربیت اخلاقی قائل است: یکی روش گفت‌وگوی برهانی، که برای خواص جامعه به کار می‌رود. این افراد نسبت به مسائل با اندیشیدن و تأمل روبه‌رو می‌شوند که می‌توان آنها را با روش گفت‌وگوی برهانی به‌سمت فضایل سوق داد؛ دیگری روش گفت‌وگوی خطابی و جدلی است که برای عوام جامعه به کار می‌رود؛ افرادی که با مسائل مختلف با عقل عرفی روبه‌رو می‌شوند و با دقت عمیق عقلی مسائل را دنبال نمی‌کنند؛ گروه سوم هم افرادی هستند که جزء خلافکاران جامعه قلمداد می‌شوند و با روش اکراهی و اجباری باید آنها را تربیت کرد.

۳-۳-۴. احتذاء (تقلید)

احتذاء در زبان عربی به‌معنای پیروی و تقلید است. فارابی منظور خود از احتذاء را چنین بیان می‌کند: «در آموزش احتذائی، شاگرد معلم را در حال انجام کاری خاص یا غیر آن می‌بیند و خود را به او شبیه می‌کند و از این طریق یادگیری به‌دست می‌آید» (فارابی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۶). فارابی تلقین را از مصادیق آموزش احتذائی می‌داند (فارابی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۲۷). از نظر وی، آموزش احتذائی گاه به این صورت است که معلم کاری را انجام می‌دهد تا شاگرد آن را ببیند و انجام دهد و یاد بگیرد و گاه واژه‌های را تلفظ می‌کند تا شاگرد آن را تلفظ کند و یاد بگیرد.

روش تقلید از یک الگوی مناسب در تربیت اخلاقی نیز راهگشاست. روش تقلید در تربیت اخلاقی، از جهت غیرمستقیم بودن برای تربیت اخلاقی می‌تواند نتایج بهتری را مخصوصاً برای کودکان و نوجوانان داشته باشد؛ زیرا به‌دلیل شرایط خاص سنی این دوره‌های زندگی، به‌کارگیری روش‌های مستقیم مانند انواع گفت‌وگوها کمتر مؤثر خواهد بود.

۳-۳-۵. مقایسه لذتها

لذتها و رنج‌ها به‌دنبال افعال می‌آیند و از همین خصوصیت می‌توان برای آراسته شدن به اخلاق نیک بهره برد. باید لذت‌هایی را که با انجام دادن افعال حاصل می‌شوند و دردهایی را که در پی آن افعال می‌آیند، در نظر گرفت. در گام بعدی، آن لذاتی را که زود می‌آیند و زود می‌روند و پس از رفتنشان درد و رنج به‌جا می‌گذارند، تشخیص داد.

زمانی که به فعل ناپسندی به‌دلیل لذتی که گمان می‌شود در پی آن به‌طور زودگذر حاصل می‌شود، کششی ایجاد شد، آن لذت را باید با رنجی که عاقبت در پی آن می‌آید، مقایسه کرد. در تقابل این لذت و رنج، آن لذتی که ما را به انجام فعل ناپسند دعوت می‌کند، از بین می‌رود. بدین ترتیب، ترک کردن عمل زشت آسان خواهد شد (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۹-۲۵۰).

۳-۳-۶. روش یاددهی - یادگیری بر اساس مقایسه لذت‌ها (و رنج‌ها) و دسته‌بندی انسان‌ها

انسان‌ها بر اساس قدرت سنجش (تفکر) و نیروی اراده به چهار دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول افرادی هستند که دارای قدرت سنجش اطراف و عواقب امور هستند و همچنین از نیروی اراده در مورد آنچه این سنجش‌ها اقتضا می‌کنند، برخوردارند. به این افراد، آزادگان (احرار) گفته می‌شود؛ دسته دوم افرادی هستند که این دو (قدرت سنجش و اراده) را نداشته باشند که به آنها چهارپایان (بهیمی) می‌گویند؛ دسته سوم افرادی‌اند که فقط از نیکویی قدرت سنجش بدون نیروی اراده برخوردار باشند. به این افراد، غلام طبیعت گفته می‌شود؛ دسته چهارم کسانی هستند که دارای نیروی اراده هستند؛ اما از قدرت تشخیص و سنجش جوانب و عواقب امور بهره‌ای ندارند. برای این افراد، شخص دیگری باید جوانب و عواقب امور را بسنجد. در این حالت، او یا مطیع شخصی است که برای او این سنجش و اندیشه را انجام می‌دهد یا مطیع نیست. پس اگر او مطیع نباشد، او هم بهیمی است؛ اما اگر مطیع باشد، در اکثر افعالش پیروز و کامیاب است و به همین وسیله از غلام بودن رها می‌شود و با آزادگان مشارکت می‌نماید (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۱).

لذت‌ها و رنج‌های افعال نیز متفاوت هستند. برخی از لذت‌ها شناخته‌شده‌تر از بعضی دیگرند و شدیدتر درک می‌شوند و برخی مخفی‌تر هستند. برخی از لذت‌ها و رنج‌ها، مانند لذت و رنج امور محسوس، با سرعت ایجاد می‌شوند. این امور برای انسان واضح‌تر و ملموس هستند. لذت‌ها و رنج‌هایی که با طبیعت انسانی هماهنگ‌اند و پس از گذشت زمان طولانی روی می‌نمایند و مواردی که غیر محسوس‌اند، از لذت‌ها و رنج‌های مخفی هستند (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۱).

بنا بر تقسیم‌بندی انسان‌ها و انواع لذت و رنج‌ها، چگونگی تربیت اخلاقی افراد متفاوت می‌شود. آزادگان به دلیل اراده‌ای که دارند، انجام دادن کار خوب و ترک کار زشت از آنان به‌آسانی محقق می‌شود؛ زیرا با روش مقایسه لذت و رنج، افعال پسندیده را انجام می‌دهند و مخفی‌تر و آشکارتر نزد آنان یکسان است. پس این افراد لذت‌هایی را که فرد را به‌سوی عمل زشت دعوت می‌کند، با مقایسه رنج آن، ولو از رنج‌های مخفی باشد، درهم می‌کوبند. به همین صورت، لذتی را که آشکارتر است نیز درهم می‌کوبند؛ چراکه نیکویی اندیشه و سنجش آنها در مورد عواقب و جوانب امور، برای آنان چیزی را که برای اکثر مردم مخفی است، مانند چیزی می‌کند که آشکار است.

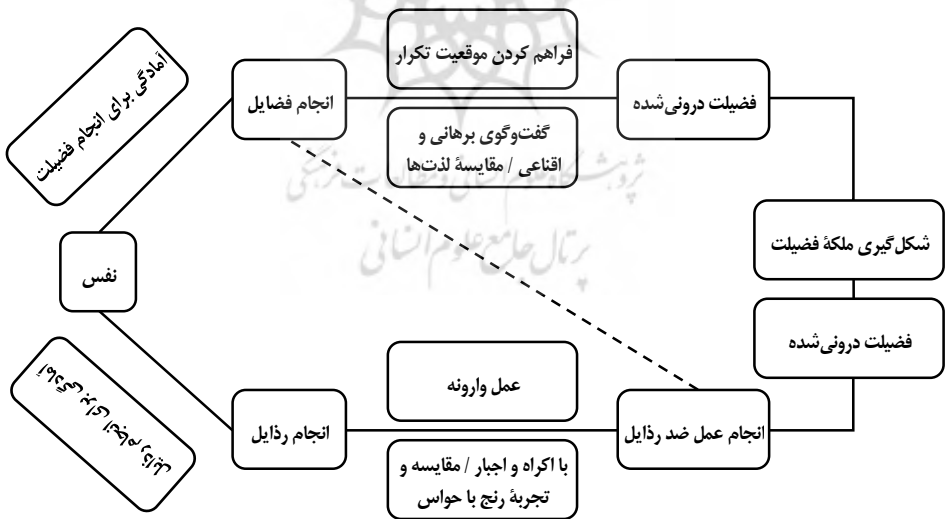
اما درباره سایر مردم، روش بالا کفایت نمی‌کند؛ مگر اینکه لذت‌ها با دردی که آشکارتر از آن لذت باشد، از بین بروند. برای سایر مردم باید به‌وسیله لذت دیگری که برای ترک آن فعل زشت به‌وجود می‌آید یا با کاری که بر ضد آن است، لذت فعل زشت را مقهور ساخت. با این روش باید کودکان را ادب کرد. آن‌گاه اگر بیان لذت برای برخی کارساز نبود، باید اضافه بر بیان لذت، اذیت و رنجی را که پس از انجام عمل به‌وجود می‌آید، بر آن افزود و از آشکارترین نوع اذیت ممکن استفاده شود (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۱).

ممکن است برای برخی باز روش‌های بالا کفایت نکند؛ پس باید کاری کرد که به‌وسیله حواسشان رنج را تجربه کنند. خوارکننده‌ترین حالات که به‌وسیله حواس برای انسان پدید می‌آیند، حالتی هستند که از حس لامسه ایجاد می‌شوند؛ پس از آن، آنچه از حس شامه حاصل می‌شود؛ سپس ذائقه؛ و بعد از آن، آنچه از بقیه حواس پدید می‌آید. با این روش است که انسان قادر می‌شود راه خیر را بر خود و دیگران هموار سازد و بدی را از خود و دیگران دور کند (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۳).

جدول ۱. الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی فضیلت‌گرای فارابی

روش تربیتی	دسته‌بندی انسان‌ها	دارای قدرت اراده	دارای قدرت تشخیص عواقب امور
مقایسه لذت فعل نیک و رنج فعل زشت؛ چه آشکار باشد چه مخفی.	آزادگان	دارد	دارد
علاوه بر روش بالا، لذت دیگری که برای ترک آن فعل زشت مفید باشد یا با کاری که بر ضد آن است، لذت فعل زشت مقهور شود.	غلام طبیعت	ندارد	دارد
علاوه بر روش بالا، لذت دیگری که برای ترک آن فعل زشت مفید باشد یا با کاری که بر ضد آن است، لذت فعل زشت مقهور شود.	در صورت اطاعت از نظر کسی که عواقب را می‌سنجد و بیان می‌کند - مشارکت با آزادگان	دارد	ندارد
علاوه بر روش‌های بالا، تجربه کردن رنج به‌وسیله حواس به ترتیب اولویت لامسه، شامه و ذائقه.	در صورت عدم اطاعت از نظر کسی که عواقب امور را می‌سنجد و بیان می‌کند - بهیمی	ندارد	ندارد

نمودار ۲. نمای کلی الگوی تربیت اخلاقی فارابی



۳-۴. ملاک‌های ارزیابی رشد اخلاقی فارابی

برای اینکه مشخص شود اخلاق افراد به حد اعتدال رسیده است، باید ملاکی وجود داشته باشد. بررسی چگونگی انجام دادن فعل در حالت نقصان، راهنمای مناسبی برای این هدف است. فرد باید این پرسش را

در درون خود بررسی کند که آیا فعلی که از حالت نقصان خُلق ناشی می‌شود، به راحتی از او سر می‌زند یا خیر؟ پس اگر این دو (انجام دادن و انجام ندادن فعل نقصانی) از جهت سهولت یکسان بودند یا به هم نزدیک بودند، بیانگر حالت اعتدال در فرد خواهد بود (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۶).

برای آزمون سهولت دو فعل (انجام دادن و ترک کردن فعل) در مجموع بررسی می‌شود: اگر شخص از هیچ‌یک از آن دو حالت اذیت نشود یا از هر دو لذت ببرد یا از یکی لذت ببرد و از دیگری اذیت نشود یا اینکه اذیتی که از آن می‌شود، واقعاً اندک باشد، واضح می‌گردد که آن دو از جهت سهولت، برای فرد یکسان‌اند یا به هم نزدیک‌اند و حالت اعتدال برقرار است (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۶).

تذکر دو نکته نیز اینجا ضروری است: اول اینکه لازم است از وقوع در چیزی که شبیه اعتدال است، دوری شود. برای مثال، بی‌باکی که شبیه شجاعت، تذبذب که شبیه سخاوت، گستاخی (بی‌حیایی و پررویی) که شبیه ظرافت طبع و نکته‌سنجی، چاپلوسی که شبیه دوستی، و تحاسر (واماندگی) که شبیه تواضع است، همگی به دلیل وجود شباهت و نزدیکی، فرد را به اشتباه می‌اندازند؛

نکته دوم اینکه دو طرف حد وسط، اموری هستند که طبع ما به آنها مایل‌تر است. به همین دلیل باید از وقوع در آنها بیشتر دوری شود؛ مانند رسیدن، که با طبیعت انسان سازگارتر است یا خساست که با میل افراد تناسب بیشتری دارد. گستاخی (بی‌حیایی و پرده‌داری در شوخی و نکته‌سنجی) نیز از این موارد است؛ چراکه زیاده‌روی در شوخی، از آن روی که لذت‌بخش است و اذیت‌کننده نیست، برای فرد خوشایند و آسان است؛ بنابراین به آن گرایش بیشتری وجود دارد (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۶).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که می‌توان بر اساس نظرات فارابی یک برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی منظمی را تدوین کرد. آثار این اندیشمند به‌خوبی گویای عناصر تدوین یک برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی است. اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و ملاک ارزیابی برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی، از کتب ایشان استخراج می‌شود و می‌توان به‌عنوان یک برنامه‌ی کامل آن را ارائه کرد. این یافته‌ی پژوهش (وجود برنامه‌ی درسی از نظر فارابی) با تحقیق میرزامحمدی توافقی دارد (میرزامحمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳).

در خصوص هدف برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی از منظر فارابی، هدف غایی، «سعادت» است و کسب فضایل، اهداف میانی برای دستیابی به هدف غایی بیان شده‌اند. این نظام اهداف که در یک سلسله و طبقات منظم بیان می‌شود، مسیر دستیابی به نقطه‌ی مطلوب را تبیین می‌کند. این یافته با نتیجه‌ی پژوهش بهارنژاد هماهنگی دارد. وی نیز کسب انواع فضایل را ابزار و واسطه‌ی نیل انسان به سعادت بیان کرده‌اند (بهارنژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹).

محتوای اصلی در برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی بر اساس آثار فارابی، فضایل هستند. هیئت نفسانی بودن، طبیعت اولیه نبودن، حد وسط یا اعتدال داشتن، و بدون سختی و با لذت انجام دادن فضایل، چهار ویژگی فضایل از نظر این

اندیشمند مسلمان هستند. پس از مشخص شدن ویژگی‌های فضایل، گام‌های عملیاتی برای رسیدن به تحقق تربیت اخلاقی و سعادت‌محور بودن فضایل به‌عنوان اصل اساسی برای تعیین محتوا بیان شد. در نهایت، فضایل نطقیه و خلقیه به‌عنوان محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی از آثار فارابی برشمرده شد.

در عنصر بعدی برنامه درسی، روش‌های برنامه درسی تربیت اخلاقی بیان شد. روش فراهم کردن موقعیت‌های مشابه عمل، عمل وارونه، گفت‌وگوی برهانی اقناعی و اکراهی، احتذاء و مقایسه لذت‌ها، از آثار فارابی به‌دست می‌آیند. برخی از این روش‌ها را پژوهشگران دیگری نیز از کلام فارابی نتیجه گرفته‌اند. روش فراهم کردن موقعیت‌های مشابه (ایمانی و بابائی، ۱۳۸۷، ص ۹۶؛ میرزاحمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷)، روش گفت‌وگو و مباحثه برهانی و اقناعی (میرزاحمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷؛ اسلامیان و کشتی‌آرای، ۱۳۹۳، ص ۱۸)، روش عمل وارونه (هاشمی و نوروزی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴) و روش احتذاء (داودی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶) برای ملکه شدن فضایل اخلاقی مورد توافق پژوهش‌های مختلف است. روش مقایسه لذت و رنج، که در این پژوهش بیان شد، کمتر مورد توجه بقیه پژوهش‌ها قرار گرفته است.

در عنصر ارزیابی برنامه درسی تربیت اخلاقی از دیدگاه فارابی، ملاک‌هایی برای ارزیابی رشد اخلاقی به‌دست آمد. وی محور اصلی را سنجش فضایل اخلاقی و ملکه شدن آنها می‌داند که این با سهولت در انجام عمل نیک و ترک عمل زشت قابل ارزیابی است.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۶). *الاهیات من کتاب الشفاء*. تحقیق: حسن حسن‌زاده‌آملی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. — (۱۳۷۹). *النجاة*. تهران: دانشگاه تهران.
- اسلامیان، مرضیه و کشتی‌آرای، نرگس (۱۳۹۳). تبیین مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی مبتنی بر دیدگاه‌های تربیتی افلاطون و فارابی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۱ (۱۳)، ۱۸-۳۳.
- ایمانی، محسن و بابائی، محمداسماعیل (۱۳۸۷). ارزش‌شناسی فارابی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی (با تأکید بر اهداف اصول و روش‌ها). *تربیت اسلامی*، ۳ (۷)، ۸۱-۱۰۴.
- آرمند، محمد و مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۸). نقد و بررسی الگوی تربیت منش لیکونا بر اساس آرای علامه طباطبائی. *مطالعات برنامه‌ی درسی*، ۴ (۱۳ و ۱۴)، ۲۵-۶۲.
- بهارنژاد، زکریا (۱۳۹۲). فضیلت از دیدگاه فارابی. *فلسفه و کلام اسلامی آئینه معرفت*، ۱۲ (۳۶)، ۱۱۷-۱۴۶.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰). *التعریفات*. تهران: ناصر خسرو.
- حسینی، محمد؛ چناری، مهین؛ وجدانی، فاطمه؛ سجادیه، نرگس؛ نامی، شمس؛ سلمان ماهینی، سکینه؛ اشعری، زهرا؛ غلام آزاد، سهیلا و بیگدلی، شعله (۱۳۹۴). *رویکردهای نوین در تربیت اخلاقی*. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
- خسروی، زهره و باقری، خسرو (۱۳۸۷). راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه‌ی درسی. *مطالعات برنامه‌ی درسی*، ۲ (۸)، ۸۱-۱۰۵.
- خلیل‌خانی، وحیدرضا؛ ناطقی، فائزه و رحیمی، عبدالله (۱۳۹۸). طراحی الگوی برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی در آموزش ابتدایی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان. *مجله قرآن و طب*، ۴ (۲)، ۱۱۸-۱۲۴.
- داودی، محمد، بهشتی، سعید و بهشتی، محمد (۱۳۹۹). *فلسفه‌های تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهقانی فیروزآبادی، وحید و بنیانی، محمد (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی سعادت از دیدگاه فارابی و علامه طباطبائی. *اخلاق*، ۴ (۱۶)، ۶۷-۱۰۰.
- ریاضی، اعظم؛ میرزاحمدی، محمدحسن و ایمانی، محسن (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی ویژگی‌های معلم از دیدگاه فارابی و شهید ثانی و ارائه دستاوردهای آن برای نظام تربیت معلم در ایران. *پژوهش‌نامه تربیتی*، ۱۶ (۶۵)، ۲۴-۱.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۰). *جامعه و تعلیم و تربیت*. تهران: مؤسسه امیر کبیر.
- صدرالمثالیین، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۶۸). *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*. قم: مکتبه المصطفوی.
- عباسی، ذکیا؛ ملکی، حسن؛ عباس‌پور، عباس و بهشتی، سعید (۱۳۹۶). بررسی عناصر الگوی برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان. *پژوهش‌های کیفی در برنامه‌ی درسی*، ۲ (۸)، ۲۷-۱.
- عقبلی، سیدرمضان؛ علم‌الهدی، جمیله و فتحی‌واجارگاه، کوروش (۱۳۹۷). طراحی الگوی برنامه‌ی درسی تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران. *تدریس پژوهی*، ۶ (۴)، ۱-۲۳.
- فارابی، ابونصر محمد بن محمد (۱۳۸۴). *سعادت از نگاه فارابی*. ترجمه علی‌اکبر جابری. قم: دارالهدی.
- (۱۴۰۵ق). *فصول مستتره*. حقیقه و قدم له و علق علیه فوزی متری نجار. الطبعة الثانیة. تهران: المکتبه الزهرا.
- (۱۴۱۳ق). *الاعمال الفلسفیه*. بیروت: دارالمنهل.
- (۱۹۹۵م). *آراء اهل المدینة الفاضلة*. بیروت: دار مکتبه الهمال.
- (۱۹۹۶م). *کتاب السیاسة المدنیة*. بیروت: دار مکتبه الهمال.

کاظمی، حمیدرضا؛ شاملی، عباسعلی و ملکی، حسن (۱۳۹۰). برنامه‌دستی ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۳ (۲)، ۷۷-۹۷.

کیان، مرجان و نظام‌الاسلامی، فهیمه (۱۳۹۳). تبیین و تحلیلی بر مفاهیم تربیتی - اخلاقی از نظر فارابی، کومنیوس و روسو. *اخلاق*، ۴ (۱۳)، ۶۷-۹۳.

ملکی، حسن (۱۳۹۴). *برنام‌ریزی درسی (راهنمای عمل)*. مشهد: پیام اندیشه.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۷). *برنامه‌دستی*. در: *علوم تربیتی؛ ماهیت و قلمرو آن*. تدوین جمعی از نویسندگان زیر نظر علی‌محمد کاردان. تهران: سمت.

میرزاحمدی، محمدحسن (۱۳۹۲). بررسی نظریه‌شناخت فارابی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت (با تأکید بر برنامه‌دستی). *تربیت اسلامی*، ۸ (۱۶)، ۱۶۳-۱۸۳.

هاشم‌زاده، سیدعلی‌اصغر (۱۳۹۸). بررسی کاربست اخلاق فضیلت در تربیت اخلاقی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها. *اخلاق پژوهی*، ۲ (۵)، ۴۷-۷۶.

هاشمی، فاطمه و نوروزی، رضاعلی (۱۳۸۹). تحلیلی بر تربیت اخلاقی از دیدگاه فارابی. *معرفت / اخلاق*، ۲ (۱)، ۹۵-۱۱۴.

یارمحمدیان، حسن (۱۳۸۸). *اصول برنامه‌ریزی درسی*. تهران: یادواره کتاب.

Lickona, T (2006). Character Education: Restoring Virtue to the Mission of Schools. In: L. E. Harrison & J. Kagan (Eds.). *Developing Cultures: Essays on Cultural Change* (p. 57-76). New York: Routledge Taylor & Francis Group.